روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۵ ■ ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ ■ ۹ فوریه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۹۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۸ سال و ۶۳ روز گذشت

سی‌ونهمین بهار انقلاب اسلامی ایران بر مردم شهید پرور مبارک

راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب
فردا در بیش از ۱۰۰۰ شهر برگزار می‌شود

روز قرار ملت

صفحات ۲ و ۴

برای ۲۲ بهمنی که روز آدینه است

این همه راه که آمدیم یعنی...

همین صفحه

گزارش «وطن‌امروز» از بی‌سابقه‌ترین اعتراضات نسبت به داوری‌ها در تاریخ جشنواره فیلم فجر

سینما اعتدال!

عکس: معین باقری

صفحه ۱۳

تیترهای امروز

رونمایی از تقریظ رهبر انقلاب بر ۴ کتاب دفاع مقدس

لفظ خوش مقاومت

صفحه ۱۳

مربع بی‌سابقه جنگ قدرت در مهم‌ترین کشور اتحادیه اروپا

سالاد فرانسوی با سس ترامپ

صفحه ۱۵

واکنش فرماندهان سپاه به تهدیدات مقامات آمریکایی علیه ایران

سرلشکر جعفری: ترامپ ناشی است

صفحه ۲

بزرگ‌ترین ارمغان پیروزی مقابل السد قطر

استقلال به داربی بازگشت

صفحه ۱۴

یادداشت امروز

ایران و مسأله‌ای به نام ترامپ

■ مهدی محمدی ■

یکم- همچنان برای قضاوت درباره ترامپ زود است اما درباره قضاوت‌هایی که درباره او شده، می‌توان قضاوت کرد. یک اصل بسیار مهم که من تصور می‌کنم هر بحثی درباره ترامپ را باید از آنجا آغاز کرد این است که حضور او در کاخ سفید چیزی بر امکانات واقعی آمریکا در صحنه بین‌المللی از جمله مقابل ایران نیفزوده است. حضور او در کاخ سفید، «واقعیت‌ها» درباره محدودیت‌های قدرت آمریکا را تغییر نداده بلکه- حتی اگر خود او نداند- خود محصول این واقعیت‌هاست. آمریکا توان اقتصادی مداخله در بیرون از مرزهای خود را تا حدود زیادی از دست داده است، روابط آمریکا و متحدانش بحرانی است، در تعریف منافع مشترک و شیوه‌های مشترک برای تامین این منافع با برخی از نزدیک‌ترین متحدانش به بن‌بست خورده، مداخلاتش به جای حل، بحران‌ها را پیچیده‌تر کرده، جامعه آمریکا از جنگ خسته و گریزان است، برای بحران‌های یمن و سوریه هیچ راه‌حل صاف و ساده‌ای وجود ندارد، آمریکا قادر به تدوین یک راهبرد که میان ایجاد ثبات در منطقه و حمایت از متحدان سنی‌اش توازن ایجاد کند نبوده است و خیلی چیزهای دیگر از این قبیل. حضور ترامپ در کاخ سفید یک معجزه نیست که با وقوع آن همه این مشکلات از میان برخاسته باشد. او شاید دیدگاه‌هایی متفاوت داشته باشد- یا چنین تظاهر کند- اما امکانات او برای پیگیری دیدگاه‌هایش همان امکاناتی است که در اختیار دولت اوباما بود و بلکه مقداری هم کمتر. به همین دلیل هم هست که او بی‌سروصدا برخی حرف‌های بسیار تند و تیز خود را درباره ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه، شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی، برجام و برخی امور بسیار مهم دیگر تعدیل کرده است. از این جنبه اگر بنگریم، یک نکته بسیار مهم این است که ممکن است ترامپ یا تیم او خیلی حرف‌ها بزنند ولی برای گذار از حرف به عمل، بلافاصله با واقعیت‌هایی برخورد خواهند کرد که عبورناپذیر است. بنابراین یک اصل راهبردی این است که حرف‌های ترامپ را گوش کنیم اما حین برنامه‌ریزی، مقدورات و امکانات واقعی او را ملاک قرار دهیم. این اصل درباره همه رؤسای جمهوری آمریکا صادق است اما به طور خاص باید آن را درباره فردی مانند ترامپ که عاشق در سرخط خبرها ماندن و رسانه‌ای شدن است، رعایت کرد.

دوم- یک اشتباه بسیار بزرگ درباره ترامپ این است که او را همانگونه تصویر کنیم که دموکرات‌ها می‌کنند و با او همانطور برخورد کنیم که دموکرات‌ها می‌خواهند. اگر این رویکرد در پیش گرفته شود یکی از خطاهای بسیار مهمی که شکل خواهد گرفت این است که «جنبه داخلی» رفتارها و تصمیم‌های ترامپ نادیده گرفته می‌شود. تقریبا در همه موارد، از لغو توافق ترنس‌پاسیفیک بگیرید تا ابلاغ فرمان اجرایی ممنوعیت ورود اتباع ۷ کشور به آمریکا، تصمیمات ترامپ بیش از آنکه ناظر به یک دیدگاه راهبردی درباره تحولات بین‌المللی یا یک تلقی خاص از راهبرد سیاست خارجی آمریکا یا حتی تلاش برای پاسخ به یک مساله بین‌المللی باشد، بیشتر ناشی از تلاش برای جلب توجه و راضی نگه داشتن یک طبقه خاص اجتماعی در آمریکاست. هسته سخت رای ترامپ در آمریکا یک جمعیت بزرگ سفیدپوست، اندکی نژادپرست، به لحاظ اقتصادی بشدت آسیب دیده و مهاجرستیز است که فردی مانند «استیو بنن» را می‌توان نماد آنها دانست. در بسیاری موارد، ترامپ کاری را می‌کند که این طبقه می‌خواهند بی‌آنکه تبعات بین‌المللی آن برای او روشن باشد یا اساسا آن را جدی بگیرد. معلوم نیست او تا کی می‌تواند به این روش ادامه بدهد اما تا وقتی اوضاع اینچنین است، نباید از تصمیمات مبتنی بر سیاست داخلی ترامپ، به زور، راهبردهایی درباره سیاست خارجی بیرون کشید. به عنوان نمونه، منع ورود اتباع ۷ کشور به آمریکا بیش از آنکه ناشی از یک سیاست دقیق در دولت ترامپ درباره این کشورها باشد- که می‌دانیم چنین سیاستی لااقل الان وجود ندارد- از تلاش او برای راضی نگه داشتن طبقه مهاجرستیز در آمریکا نشأت می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۵

نگاه

اشعری، اولین عمامه به سری که کلاه سرش رفت

■ محمد زعیم‌زاده ■

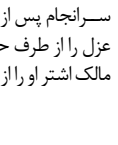

۱- مرحوم دکتر علی شریعتی در مشهورترین دفاع خود از روحانیت اصیل و مهذب و انقلابی می‌گوید:

«من به عنوان کسی که رشته کارش تاریخ و مسائل اجتماعی است، ادعا می‌کنم در تمام این دو قرن گذشته در زیر هیچ قرارداد استعماری، امضای یک آخوند نجف رفته نیست؛ در حالی که در زیر همه این قراردادهای استعماری، امضای آقای دکتر و آقای مهندس فرنگ رفته هست!»

البته که جمله دکتر شریعتی حصر زمانی دارد و ماجرا را محدود به ۲ قرن اخیر می‌کند و صد البته منظور دکتر، آخوندی است که با تعمد پای قراردادی را امضا نکرده است و حتما در تاریخ افرادی را داشته‌ایم که دور و برشان را همان دکتر و مهندس‌های فرنگ‌رفته گرفته‌اند و با ساده‌لوحی پای بدترین و ننگین‌ترین قراردادها را امضا و تایید کرده‌اند.

۲- هنگامی که حضرت علی(ع) به قصد مقابله با فتنه طلحه و زبیر رهسپار بصره شد در توقفگاه ذی‌قار در نزدیکی کوفه، محمدبن‌جعفر و محمدبن ابی‌بکر را به کوفه فرستاد تا مردم را برای ختم غائله، تجهیز و ترغیب کنند. عبدالله‌بن قیس [ابوموسی اشعری] در کار بسیج نیرو با این گفته که «راه آخرت در گرو خانه‌نشینی است و جنگ دنیاخواهی است و هنوز بیعت عثمان بر گردن ماست و تا کشندگان او مجازات نشده‌اند با کسی نخواهیم جنگید» طفره رفت و حتی فرستاده علی(ع) را به زندان و قتل تهدید کرد و آنگاه که علی(ع) دومین بار عبدالله بن عباس و مالک اشتر را به کوفه فرستاد ابوموسی با استناد به حدیثی که خود از پیامبر روایت می‌کرد اوضاع را به فتنه‌ای تشبیه کرد که می‌باید مردمان تا روشن شدن حقیقت چون پیکره‌های بی‌جان بر جای بمانند. علی(ع) این بار فرمان عزل وی را داد و او را به همراه عمار یاسر به کوفه فرستاد. ابوموسی دوباره با ایراد خطبه‌ای کوفیان را از مداخله در آنچه وی آن را نزاعی بین قریش نامید ـ که خود باید به اصلاح آن بپردازند ـ بر حذر داشت اما سرانجام پس از آنکه امام حسن مجتبی فرمان عزل را از طرف حضرت امیر(ع) به وی ابلاغ کرد مالک اشتر او را از قصر حکومتی بیرون راند.

ادامه در صفحه ۵

دیدگاه

نفت در برابر کالای مصرفی

■ امیر استکی ■

رئیس محترم جمهور در روز ملی فناوری فضایی فرموده‌اند «پیام برجام این است که در باقی مسائل، مذاکره یک راه خوب برای حل مشکلات است». در اینکه مذاکره یک راه برای حل مشکلات و چالش‌ها است شکی نیست اما مهم‌تر از آن، چگونه رفع‌شدن مشکلات و درست حل شدن چالش‌هاست. در تاریخ معاصر کشور هستند لحظات و اتفاقاتی که همواره با نوعی حسرت و بر آمدن آه از نهاد از خاطر ما می‌گذرند، مثلا قراردادهای ترکمانچای و امثال آن. در این قراردادها هم با مذاکره یک چالش و مساله حل شده است ولی همانطور که گفتیم لفظ خوب قبل از فعل حل شدن برای هیچکدام از آنها به کار برده نمی‌شود. به نظر می‌رسد «خوب حل شدن» در هر نوع مذاکرات حل مساله، از پیش‌فرض‌های اساسی و بدیهی باشد و همین پیش‌فرض بودن چنین انتظاری از یک معاهده الزام‌آور بین‌المللی برای کشور است که رئیس‌جمهور را وامی‌دارد همواره لفظ خوب را درباره برجام به کار ببندد. لفظی که شواهد و قرائن حاکی از آن است نمی‌شود از آن در توصیف برجام استفاده کرد. برجام وقتی می‌توانست خوب به نظر برسد که زخم تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده ضد اقتصاد ما را به طور کامل می‌بست و حالا که این زخم هنوز به نوعی باز است پس مرور آنچه به بهای این معاهده از دست داده‌ایم و تعهداتی که پذیرفته‌ایم، این پیام روشن را به ما می‌دهد که پیام برجام این نیست که مذاکره راه‌حل خوبی برای حل مشکلات است. اما چرا برجام خوب نیست و چرا زخم تحریم‌ها کماکان باز است و پیکره اقتصاد کشور را می‌رنجاند؟ برای نشان دادن این واقعیت ما نظر چند کارشناس اقتصادی و همچنین قسمتی از اظهارات رئیس بانک مرکزی درباره کانال‌های ارزی کشور پس از برجام را نقل می‌کنیم که به روشنی به استخوانی که لای زخم تحریم‌های به اصطلاح برچیده شده باقی گذاشته شده است، اشاره می‌کنند.

اول- به یقین ارزشمندترین و شاید واقعی‌ترین دستاورد برجام، افزایش فروش نفت ایران است. همچنین به یقین بزرگ‌ترین ضعف پیوست اقتصادی برجام هم عدم امکان انتقال پول به شیوه معمول و عدم دسترسی مستقیم به دارایی‌های ارزی ناشی از فروش نفت است. در واقع تقریبا تنها راه نسبتا سریع موجود برای دسترسی به دارایی‌های ارزی از کانال پسابرجام- مگر موارد استثنایی- واردات کالاهای کاملا مصرفی و با نقدشوندگی بالاست. کالاهایی که از قضا خودکفایی نسبی در تولید آنها از مزیت‌های استراتژیک ایران است، چنانکه در گزارش مکنزی تولید ۹۲ درصد از نیاز کالاهای مصرفی در ایران به عنوان یک نقطه قوت مهم مورد اشاره است. به بیان دیگر کانال ارزی حاصل از برجام به نحوی ساختاردهی شده است که عملا به عنوان یک رقیب جدی برای صنایع خرد ایران بویژه پوشاک و قطعه‌سازان عمل می‌کند. این حقیقت تا حدودی یکی از علل رکود در بسیاری از صنایع مصرفی را توضیح می‌دهد.

دوم- ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی در گفت‌وگو با تسنیم، در پاسخ به این سوال که آیا درآمدهای حاصل از فروش نفت به صورت دلار وارد کشور می‌شود، گفت: با دلار نه ولی با ارزهای دیگر وارد کشور می‌کنیم. اصطلاح وارد شدن ارز به کشور اصطلاح درستی نیست. درآمدهای ارزی‌مان را در تجارت خارجی‌مان استفاده می‌کنیم. این درآمدها به حساب‌های بانک مرکزی در خارج از کشور واریز می‌شود و ما از آنجا برای واردات پرداخت می‌کنیم. رئیس بانک مرکزی همچنین در برنامه نگاه یک اظهار کرد: «اصلا چرا باید ارز حاصل از فروش نفت را به کشور بیاوریم، بهتر است این درآمد ارزی در بانک‌های اروپایی باشد و صرف کالاهای سرمایه‌ای شود».

سوم- بعد از برجام به دلیل عدم رفع تحریم‌های پولی و مالی، بانک مرکزی اقدام به ایجاد و گسترش یک ساختار کارگزاری بانکی با بانک‌های درجه ۲ و ۳ اروپایی کرد. به این معنا که ایران نفت خود را می‌فروخت و پول آن را به حساب افتتاح شده نزد این بانک‌ها واریز می‌کرد. با توجه به عدم امکان انتقال پول به حساب‌های دیگر یا انجام عملیات عادی بانکی، روشی ارزی- ریالی برای استفاده از این درآمد دوباره بلوکه شده استفاده شد. به این معنا که متقاضی واردات اعم از خصوصی یا دولتی در تهران از طریق بانک‌های عامل به بانک مرکزی ریال می‌دهد و بعد بانک مرکزی حواله‌ای ارزی به متقاضی واردات می‌دهد. این متقاضی به بانک اروپایی کارگزار مراجعه می‌کند و ارز را به ازای این حواله از حساب بانک مرکزی برداشت کرده و صرف واردات می‌کند. نام این روش طبعا ال‌سی به معنای معمول آن نیست و نوعی سیستم اولیه حواله‌کرد محسوب می‌شود. گفته می‌شود امکان انتقال این حواله بین بانک‌های کارگزار- و نه سایر بانک‌ها یا شبکه بانکی- فراهم آمده است.

ادامه در صفحه ۵

دل‌نوشت

این همه راه که آمدیم یعنی...

■ حسین قدیانی ■

آه! دوباره یوم‌الله افتاده آدینه! روز متعلق به حضرت صاحب‌الزمان! قریب ۴۰ سال است که به «آزادی» رسیده‌ایم اما به آزادی از این روزگار غریب غیبت، نه! فردا فریاد ما، جز خواندن شما نیست یابن‌الحسن! فردا ما خود سخن‌ها داریم! و این شعارهای ما ملت است که سخن و سخنران اصلی مراسم را معین می‌کند! آقاجان! ما چون معمای حل گشته، حمل بر آسان بودنش نمی‌کنیم! و بر این باوریم سرنگونی رژیم شاه، کاری نشدنی بود اگر دست امام ما را نمی‌گرفتی! مستظهر به لطف و عنایت شما بود که ترس در قاموس خمینی، محلی از اعراب نداشت! ما را ببخش، اگر گاهی فراموش می‌کنیم شما را!! هر روز هم به یادتان باشیم، باز نتوانسته‌ایم قدر شما را بشناسیم! گمانم ما واقف نیستیم «غیبت» یعنی چه و الا تا به حال آمده بودی! قریب ۴۰ سال است چو فردایی، جشن پیروزی می‌گیریم، به آن نشانه که برای واقعه عظمای ظهور در صحنه حاضریم! فردا تا ساعاتی دیگر خواهد آمد! و یقین داریم آن فردای موعود نیز! این درست که غیبت، دست نالایق ما را از دامان شما کوتاه کرده اما امام مگر می‌تواند به فکر امت خود نباشد؟! و برای‌شان دعا نکند؟! دعای تو اگر نبود، کدام «طریق‌القدس» به «فتح‌المبین» می‌رسید؟! و کدام خرمشهر، آزادی را جشن می‌گرفت؟! حق داشتند شهدا، این همه امام زمانی بودند! این همه تهدید، این همه تحریم، این همه جنگ، این همه فتنه، لکن این همه راه که آمدیم، یعنی در گذر هر حادثه‌ای، مراقب ما بوده‌ای! و امام ما بوده‌ای! امامِ خمینی! و امامِ خامنه‌ای! رهبر ما، خطبه جمعه، آن همه می‌گوید و می‌گوید، تا دست آخر، با امام خود، نجوایی کند: «مولای ما تویی! صاحب ما تویی!» آقاجان! غم جدایی از آفتاب را، از همه بیشتر ماه می‌داند! و آن ستاره شهید مدافع حرم که آرزو داشت جانش قربانی آن راهی شود که عاقبت به آمدن شما ختم می‌شود!

آه! دوباره یوم‌الله افتاده آدینه! فردا باید «ندبه» را انقلابی‌تر از همیشه بخوانیم! و «سمات» را پر شورتر و از هر جمعه‌ای بیشتر، تو را از خدا بخواهیم! به یمن تقارن فردا از این پس باید آدینه‌های ما بیشتر رنگ انتظار بگیرد! آن موعود فرخنده، اگر شمایی، باید «ایستاده» منتظر بود! «انقلابی» منتظر بود! جوری که انگار هر ثانیه این غیبت، عمری به درازای یک قرن دارد!

آقاجان! پیامبری نیامده است الا آنکه خود را از منتظران شما خوانده باشد! و خدا وعده آمدن تو را، قبل از همه به «آدم» داد! و «عیسی» خود را از حواریون تو می‌داند! و «محمد» که سلام و صلوات خدا بر او باد، وعده آمدن تو را می‌داد! اگر چشم دنیا به آخرین رسول روشن شد، دوباره باز یک روز، چشم ما به واپسین امام می‌افتد! آدمیزاد قدرت را ندانست! و همین شد راز غیبت! ما از گناه خود پشیمانیم! به گلدسته‌های مسجدالحرام نگاه می‌کردم، دیدم استعاره از دستان ما ابنای آدم است که به علامت تسلیم رفته بالا! و دیدم این همه بت که گستاخانه سایه بر خانه خدا انداخته‌اند، بت‌شکنی بت‌شکن‌تر از ابراهیم می‌خواهد! تو یوسفی هستی که از خیل پیامبران، فقط یعقوب انتظارت را نمی‌کشد! تو مهدی فاطمه‌ای... و فردا، همه فریاد ما!

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz